

دیپلماسی، جایگزین فشار حداکثری؟

ماوترامپ در تقاطع!

دو مانع اصلی در مسیر مذاکرات ایران و آمریکا شامل ذهنیت تقابلی سیاست‌گذاران واشنگتن و مخالفت اسرائیل با هرگونه توافق است. این عوامل تنش‌ها را تشدید کرده و امکان موفقیت دیپلماسی را کاهش می‌دهد. جایگزین دیپلماسی، جنگی پرهزینه خواهد بود که نه‌تنها برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نمی‌کند، بلکه ثبات منطقه را متزلزل کرده و هزینه‌های سنگینی برای آمریکا و متحدانش به همراه خواهد داشت. دیپلماسی همچنان بهترین گزینه است.

هرچند روابط میان تهران و واشنگتن در سال‌های اخیر به صحنه‌ای از جدال‌های بی‌پایان و بی‌اعتمادی‌های عمیق بدل شده، اما در این میدان پراشوب، گاهی هم جرعه‌هایی از امید به چشم می‌خورد. نشانه‌هایی از تمایل به تعامل، اگرچه پراکنده و شکننده، در میان برخی نهادها و بازیگران کلیدی خودنمایی می‌کند.مقامات و تحلیلگران غربی، با نگاهی به این جرعه‌ها، بر این باورند که بازگشت طرفین به میز مذاکرات می‌تواند به‌منزله‌گشودن دریچه‌ای باشد به‌سوی فرصتی استثنایی، فرصتی که آمریکا از طریق آن بتواند به‌جای استفاده از زبان زور، با ابزار دیپلماسی درباره برنامه هسته‌ای ایران به پاسخ‌سوال هایش برسد.

تقاطع تقابل

ترامپ که در مبارزات انتخاباتی خود وعده داده بود از درگیری‌های پرهزینه در خاورمیانه اجتناب کند، اکنون باید نشان دهد که دیپلماسی می‌تواند جایگزینی مؤثر برای رویکردهای تقابلی باشد. از سربگری مذاکرات باتهران نیازمند ارزیابی واقع‌بینانه از نگرانی‌های امنیتی دو طرف و ارائه تضمین‌های لازم برای ایجاد اعتماد متقابل است. نادیده‌گرفتن این فرصت، نه‌تنها برنامه هسته‌ای ایران را پیچیده‌تر خواهد کرد، بلکه ممکن است آمریکا را در مسیر درگیری‌هایی سوق دهد که با وعده‌های پیشین ترامپ مبنی بر کاهش حضور نظامی در خاورمیانه در تضاد آشکار است. تصمیم ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۸، تحولی بنیادین در روابط تهران و واشنگتن ایجاد کرد. این اقدام، با وجود مخالفت‌های بین‌المللی، به‌عنوان بخشی از سیاست «فشار حداکثری» مطرحی شد تا ایران را از لحاظ اقتصادی و دیپلماتیک منزوی کند. در این چارچوب، دولت ترامپ بزرگ‌ترین بسته تحریم‌های اقتصادی تاریخ آمریکا علیه ایران را اعمال کرد. سیاست فشار حداکثری ترامپ، در کنار اقدامات هدفمند اسرائیل همچون تزور محسن فخری زاده دانشمند ارشد حوزه هسته‌ای و خرابکاری در تأسیسات حساس هسته‌ای نظنز، نه‌تنها باعث توقف برنامه هسته‌ای ایران نشد، بلکه تهران را به افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم تا ۶ درصد سوق داد.

بازگشت به دیپلماسی

با نزدیک شدن به آغاز دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، گزارش‌هایی از حلقه نزدیکان وی حاکی از این است که برخی از مشاوران و مقامات پیشین، سناریوهایی مانند بازگشت به تحریم‌های سخت‌تر و حتی حمله نظامی محدود به تأسیسات هسته‌ای ایران را مطرح کرده‌اند.

این رویکرد، در صورت عملی شدن، نه‌تنها تنش‌ها را در خاورمیانه به شدت افزایش خواهد داد، بلکه ریسک گسترش درگیری نظامی را نیز به دنبال خواهد داشت. بااین حال، در سوی دیگر این معادله، برخی از مشاوران ترامپ، از جمله مسعد بولس، به اهمیت باز گذاشتن دره‌ای دیپلماسی اشاره کرده‌اند. این دیدگاه بر این اساس استوار است که فشار اقتصادی و تهدید نظامی به تنهایی نمی‌تواند ایران را به تغییر رفتار وادار کند و تنها راه پیش‌رو، مذاکره جدی برای دستیابی به توافقی جدید است. این اختلاف در دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که سیاست ترامپ در قبال ایران ممکن است ترکیبی از رویکردهای فشار و تعامل باشد.

دو مانع بزرگ

دو مانع عمده بر سر راه ازسربگری مذاکرات میان ایران و آمریکا همچنان پابرجاست و امکان موفقیت دیپلماسی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. نخستین مانع، ذهنیت غالب در سیاست‌گذاری واشنگتن است که ایران را به‌عنوان تهدیدی فراتر از واقعیت موجود ترسیم می‌کند. این نگاه، که ریشه در سیاست‌های چند دهه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی دارد، موجب شده است تا تصمیم‌گیرندگان در واشنگتن به‌جای در نظرگرفتن ظرفیت‌های واقعی ایران و امکانات تعامل، بیشتر به سمت تقابل و اعمال فشار تمایل پیدا کنند. مانع دوم، مخالفت آشکار اسرائیل با هرگونه توافقی است که ممکن است از نفوذ ایران در منطقه نکاهد. اسرائیل همواره با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی و نظامی تلاش کرده تا مسیر دیپلماسی را مختل کند. اقدامات مستقیم اسرائیل، مانند حملات سایبری و حملات هوایی به منافع ایران در منطقه، تنش‌ها را به سطحی خطرناک رسانده است.

یکشنبه ۳۰ • ۱۴۰۳ ۱۴۰۳
سال هشتم شماره ۲۰۲۵ ۱۹/۱۴۴۶ ژانویه ۲۰۲۵

armanmeli.ir

سیدعباس عراقچی: امیدواریم با امضای معاهده با روسیه روابط بهتری برای همکاری حرکت کنیم

گام بلند تهران و مسکو برای گسترش روابط اقتصادی

سیدعباس عراقچی: امیدواریم با امضای معاهده با روسیه در چارچوب بهتری برای همکاری حرکت کنیم

هادی حق شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: اگر اراده سیاسی طرفین روی کاغذ نباشد حتماً به نفع اقتصاد دو کشور خواهد بود



توانایی ایجاد بستری برای گسترش روابط میان دو کشور را دارد. مناسبات اقتصادی تهران و مسکو است. امری که در توافق‌نامه اخیری که میان پزشکیان و پوتین امضاء گردید بدان اشاره شده است. چنانکه وزیر امور خارجه کشورمان در ارتباط با امضای معاهده مشارکت جامع راهبردی بین ایران و روسیه در جریان سفر رئیس‌جمهور به مسکو اظهار کرد: «این معاهده، ماهیت آن عمدتاً اقتصادی است و در همه حوزه‌های اقتصادی از جمله موضوع تجارت‌گردشگری بحث حمل و نقل و... ورود پیدا کرده است.» سیدعباس عراقچی با بیان اینکه این معاهده در حوزه‌های فرهنگی، علمی، قضایی، حقوقی، ارتباطات و... نیز ورود پیدا کرده است، تصریح کرد: «این معاهده تقریباً تمام ابعاد روابط ۲ کشور را در بر می‌گیرد.» وی با تأکید بر اینکه این معاهده به نگاه جامع به روابط ۲ کشور ایجاد می‌کند، افزود: «بسیار امیدواریم که با چنین پایه و اساسی معاهده راهبردی بین ایران و روسیه در حوزه‌های روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، با سهولت بیشتر و در یک چارچوب و بستر بهتری حرکت کنیم.» رئیس دستگاه دیپلماسی تأکید کرد: «این روابط خوب بوده و آن شاء... در این چارچوب بهتر نیز خواهد شد.» قدر مسلم ارتقاء روابط اقتصادی می‌تواند بستر گسترش روابط در حوزه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و فرهنگی باشد و آن زمان می‌توان به روسیه در قالب یک متحد راهبردی و شریک استراتژیک نگریست. در همین راستا، نئیز مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور این توافق را آغاز فصل جدیدی در روابط میان ایران و روسیه در همه زمینه‌ها به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی دانست و گفت: «اطمینان دارم این سند که براساس منافع مشترک دو کشور تنظیم شده می‌تواند مسیر توسعه همکاری‌های ایران و روسیه را هموار وفاق‌های روشنی را برای طرفین ترسیم کند.» طبق گفته رئیس‌جمهور تصمیم مشترک ایران و روسیه برای رفع لحاظ فرهنگی اشتراکاتی ندارند لذا این مقوله نمی‌تواند پایه گسترش روابط میان دو کشور باشد. اما آنچه که صرفاً

یک کارشناس مسائل اقتصادی در خصوص توافق‌نامه ایران و روسیه و تأثیر آن بر اقتصاد ایران اظهار داشت، روسیه در تولید محصولات کشاورزی، بخش‌های صنعتی، هواپیما، ایجادریل وراه‌آهن، بنادروبرخی زیرساخت‌هاجز کشورهای زده بالای جهان است و البته با ضرب بالاتر می‌توانیم چین را هم در این طبقه‌بندی به حساب بیاوریم. ایران با هر دو کشور تفاهم‌نامه سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی و چند جانبه دارد؛ لذا اگر اراده ملی دو کشور شکل بگیرد استفاده از این ظرفیت حتماً به نفع اقتصاد طرفین خواهد بود. هادی حق شناس به «آرمان ملی» گفت: به خصوص که ما و روسیه در شرایط تحریم‌های ظالمانه قرار گرفتیم. در دریای خزر مجموع کالاهایی که از طریق دریا متعلق به روسیه باشد نسبت به کل واردات و صادرات روسیه شاید کمتر از ۵ درصد نباشد یعنی بیش از ۹۰ درصد صادرات و واردات روسیه از طریق سایر برزهای زمینی یا دریایی روسیه شکل می‌گیرد. مجموعه واردات و صادرات ایران هم از طریق دریای خزر، شاید مثلاً با کمی اغماض کمتر از پنج یا شش درصد باشد. لذا هر دو کشور این ظرفیت را دارند که از ظرفیت‌های یکدیگر استفاده کنند. وی بیان داشت: به‌رغم اینکه روسیه درگیر جنگ ویرانگر اوکراین از یک سمت و تحریم‌های غرب از سمت دیگر است رشد اقتصادی حدود ۳ درصد را تجربه کرده که نشانه این است که در تحریم‌ها و به‌رغم درگیری جنگ روسیه رشد اقتصادی را که در زمان تحریم‌ها شاهد بودیم، به‌طور قابل توجهی فراتر برده و آن شاء... در این چارچوب بهتر نیز خواهد شد.» رئیس دستگاه دیپلماسی تأکید کرد: «این روابط خوب بوده و آن شاء... در این چارچوب بهتر نیز خواهد شد.» قدر مسلم ارتقاء روابط اقتصادی می‌تواند بستر گسترش روابط در حوزه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و فرهنگی باشد و آن زمان می‌توان به روسیه در قالب یک متحد راهبردی و شریک استراتژیک نگریست. در همین راستا، نئیز مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور این توافق را آغاز فصل جدیدی در روابط میان ایران و روسیه در همه زمینه‌ها به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی دانست و گفت: «اطمینان دارم این سند که براساس منافع مشترک دو کشور تنظیم شده می‌تواند مسیر توسعه همکاری‌های ایران و روسیه را هموار وفاق‌های روشنی را برای طرفین ترسیم کند.» طبق گفته رئیس‌جمهور تصمیم مشترک ایران و روسیه برای رفع لحاظ فرهنگی اشتراکاتی ندارند لذا این مقوله نمی‌تواند پایه گسترش روابط میان دو کشور باشد. اما آنچه که صرفاً

روایتی ناپدید نشده از نگرانی محافظ در آخرین پرواز

تداوم شایعات شهادت آیت‌ا...رئییسی

نیروهای مسلح: دستگاه قضایی با برهم زندگان امنیت روانی جامعه برخورد کند

اما این اتفاق نیفتاد. شهید موسوی مکتوب به فرمانده سپاه نامه نوشت که سپاه حفاظت مخالف این سفر است، اما حسب وظیفه ذاتی خود رئیس‌جمهور را همراهی می‌کند.» ۲۰ دی همشهری آنلاین نوشته بود: «سیدمجتبی موسوی، برادر شهید سیدمهدی موسوی، فرمانده یگان حفاظت رئیس‌جمهور گفت: علت اینکه لیست شهدا اول ۹ نفر و بعد ۸ نفر اعلام شد، این بود که همراه با آقای بذریاش یکی از محافظان هم از بالگرد رئیس‌جمهور خارج شد. به درخواست شهید امیرعبد‌الطهیبان عوض کرد. در این بین یکی از محافظان هم از بالگرد به درخواست آقایسیدمهدی ۹نفره کاسته شد.این محافظ بعد از حادثه بالگرد ضربه روحی شدیدی متحمل شد و خود را جاماند در کشتی شهدا تلقی می‌کرد». در خرداد تابناک نوشت: مجری تلویزیون درباره لحظه پیدا شدن پیکر شهدای سانحه سقوط هلیکوپتر حامل رئیس‌جمهور مدعی شد: پیکر سرتیم حفاظت دقیقاً کنار پیکر رئیس‌جمهور بود. این در حالی است که تصاویر منتشر شده در فضای مجازی خلاف این ادعا را نشان می‌دهد و مشخص نیست ادعای مجری مستند به چیست؟

بیانیه نیروهای مسلح

در پی تداوم این شایعات بود که مرکز ارتباطات ستاد کل نیروهای مسلح در بیانیه‌ای هرگونه شبهه افکنی درباره چگونگی و علت شهادت آیت‌ا... سیدابراهیم رئیسی و همراهان ایشان را مردود دانسته و اظهارنظرهای غیرمسئولانه را ناشی از ناآگاهی یا با

آرمان ملی

سیاست

گزارش

گزارش «آرمان ملی» از مقابله با ایران هراسی در منطقه

عبور از ایران هراسی با پیمان منطقه‌ای

پیمان امنیت جمعی غرب آسیا نسخه عبور از ایران هراسی

آرمان ملی- احسان اسقایی: امنیت در غرب آسیا و مقابله با گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب، گوهر گمشده‌ای است که هر یک از کشورهای منطقه برای دستیابی به آن هزینه‌های سنگینی متحمل شده‌اند. با این حال، هیچ‌گاه شاهد امنیتی پایدار و دائمی در این منطقه نبوده‌ایم. حتی برخی کشورها با صرف هزینه‌های بسیار تلاش کرده‌اند امنیت را برای خود بخردند و حضور بیگانگان فرامنطقه‌ای در خاکشان را توجیه کنند. این در حالی است که آمریکا و برخی حکومت‌های پیشین منطقه که خود تحت نفوذ غربی‌ها بودند، عامل اصلی ناامنی در منطقه محسوب می‌شوند. با وجود این، کشورهای منطقه همچنان امنیت خود را از همین عوامل ناامن تأمین می‌کنند و برای این سطح از امنیت نیز میلیاردها دلار هزینه می‌پردازند، اما همچنان شاهد فعالیت‌های تروریستی علیه امنیت کشورهای منطقه و مسلمانان هستیم.

عاملان ناامنی منطقه

مروری بر تاریخ جنگ‌های چهار تا پنج دهه اخیر نشان می‌دهد که صدام حسین، رئیس‌جمهور مخلوع آمریکا، با حمله به ایران و کویت پایه‌های ناامنی در منطقه را بنا نهاد. حمله او به کویت امنیت انرژی در خلیج فارس را به خطر انداخت و آمریکا عراق را به‌عنوان عنصری نامطلوب تعریف کرد. این امر بهانه‌ای شد تا واشگتن برای سرنگونی صدام، سلسله نظامی و امنیتی خود را بر منطقه و شریان‌های انتقال نفت گسترش دهد. پس از حضور رسمی آمریکا در عراق و خلیج فارس، تنش‌ها در منطقه افزایش یافت و خشونت‌های متناوب در کشورهایی چون عراق و سوریه به‌طور مکرر رخ داد.

ایران هراسی غرب

یکی دیگر از دلایل ناامنی منطقه، پروژه‌های روانی غرب است که با همکاری اسرائیل برای کشورهای عرب منطقه تعریف شده‌اند. هدف این پروژه‌ها، به‌قول ترامپ، دست‌یافتن گام‌های ششده منطقه و خالی کردن ذخایر انرژی آن‌ها به بهانه خرید تسلیحات است. نمونه بارز این سیاست، قرارداد‌های تأمین تجهیزات نظامی با برخی کشورهای عربی است که ارقام حیرت‌انگیز آن‌ها در مقایسه با درآمد‌های نفتی‌شان قابل توجه است. این مبالغ می‌توانست صرف توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه شود، اما در عمل به کام غرب رفته است. کشورهای غربی این سیاست را تحت عنوان ایران هراسی به نفع خود تعریف کرده‌اند. اما همین سیاست را هم درآمدهای نفتی‌شان قابل توجه بین کشورهای منطقه خصوصاً ایران و عربستان وجود داشت، ایجاد کردند.

توجه به امنیت منطقه

اگر کشورهای منطقه در خصوص چالش‌های امنیتی به تفاهم برسند و با تشکیل کنفرانس امنیت جمعی، به راهکارهایی مشترک دست یابند، می‌توانند امنیت پایدار و دردم‌تندیه‌ای مشابه اروپا ایجاد کنند. نمونه‌ای از این تلاش‌ها، مذاکرات ایران و عربستان در بغداد است که توانست نگرانی‌های متقابل را کاهش دهد و به تفاهماتی ارزشمند منجر شود. این رویکرد، کشورهای عربی دیگر را نیز به حل مشکلات با ایران ترغیب کرده است. چنین تفاهمی آن قدر قدرتمند است که حتی تلاش‌های غرب و اسرائیل برای احیای پروژه ایران هراسی نیز نمی‌تواند دستاورد چشمگیری داشته باشد.

مذاکرات هسته‌ای

اخیرا سید حسین موسویان، دیپلمات ایرانی، در مقاله‌ای در نشریه هیل آمریکا نوشت که رئیس‌جمهور منتخب آمریکا می‌تواند خود را از مذاکره با ایران اعلام کرده است. او سیاست تغییر رژیم را رد کرده و خواهان موفقیت ایران شده است. موسویان تأکید کرده که اگر هدف اصلی آمریکا جلوگیری از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای است، این هدف نیازمند طرحی است که همه کشورهای منطقه را شامل شود. او پیشنهاد داده که ایران، عراق، عربستان سعودی و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از طریق یک ساختار امنیتی و همکاری جمعی، مشابه سازمان امنیت و همکاری اروپا، به ثبات و صلح منطقه‌ای دست یابند.

محور توافق امنیتی

سه کشور ایران، عراق و عربستان طی حدود سه سال گذشته تلاش کرده‌اند باهدف حل مسائل امنیتی منطقه، جلساتی را در سطح مقامات عالی‌رتبه امنیتی برگزار کنند. این نشست‌ها، که به بهانه حل چالش‌های امنیتی میان ایران و عربستان انجام شده است، ظاهراً دستاوردهایی فراتر از برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان داشته است. این توافق‌ها موجب شده است که اکنون کشورهای منطقه، به‌رغم قدرت ایران که در دو عملیات موشکی رسمی علیه اسرائیل به نمایش گذاشته شده، هراسی از این قدرت نداشته باشند. در دوران نخست‌وزیری محمد شیاع السودانی، عراق باره تلاش کرده است از طریق گفت‌وگو میان عناصر امنیت‌ساز منطقه، به‌ویژه ایران و عربستان، برای چالش‌های امنیتی آینده منطقه، به خصوص نگرانی‌های مرتبط با رشد تروریسم در سوریه، راهکاری جمعی ایجاد کند. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرا رسیده است که ایران، عربستان و عراق به همراه کشورهای حاشیه خلیج فارس به یک پیمان امنیتی منطقه‌ای مشارکتی دست یابند. پیمانی که می‌تواند برخی از طرح‌های امنیت‌ساز غربی، از جمله ناتوی عربی، را به حاشیه براند و به تاریخ پیوند بزند.